

"کیفیت تحصیل معرفت الله"

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (4) - امر و خلق، جلد 1

۴ - کیفیت تحصیل معرفت الله

از حضرت بهاء الله در رساله سیر و سلوک هفت وادی است قوله الاحلی: "اول وادی طلب است. مرکب این وادی صبر است و مسافر در این سفر بی صبر بجائی نرسد و بمقصود واصل نشود... مجاهدین کعبه "فینا" به بشارت "لنهدینهم سبلنا" مسرورند و کمر خدمت در طلب بغایت محکم بستهند... شرط است این عباد را که دل را که منبع خزینه الهیه است از هر نقشی پاک کنند و از تقلید که از اثر آباء و اجداد است اعراض نمایند و ابواب دوستی و دشمنی را با کلّ اهل ارض مسدود کنند. و طالب در این سفر بمقامی رسد که همه موجودات را در طلب دوست سرگشته بیند... و این طلب طالب را حاصل نشود مگر بنثار آنچه هست یعنی آنچه دیده و شنیده و فهمیده همه را بنفی "لا" منفی سازد تا بشهرستان جان که مدینه "الا" است واصل شود... و سالک در این سفر بر هر خاکی جالس شود و در هر دیار طلب یار نماید با هر جمع مجتمع شود و با هر سری همسری نماید که شاید در سری سر محبوب بیند و یا از صورتی جمال محبوب مشاهده کند."

و از آن حضرت در کتاب ایقان است قوله الاعلی: "الباب المذكور فی بیان ان العباد لن یصلوا الی شاطی بحر العرفان الا بالانقطاع الصّرف عن کلّ من فی السموات والارض قدّسوا انفسکم یا اهل الارض لعل تصلن الی المقام الذی قدر الله لکم و تدخلن فی سرادق جعله الله فی سماء البیان مرفوعاً."

و هم در آن کتاب پس از تفصیل شروط مجاهدت در طریق معرفت چنین مسطور است قوله الاعلی: "و چون بعمل و الذین جاهدوا فینا موید شد بشارت لنهدینهم سبلنا مستبشر خواهد شد."

و در جواهر الاسرار قوله عزّ کبریائه: "فاعلم ثم اعرف بان السالک فی اول سلوکه الی الله لا بد له بان یدخل فی حدیقه الطلب و فی هذا السفر ینبغی للسالک بان ینقطع عن کلّ ما سوی الله و یغمض عیناه عن کلّ من فی السموات والارض و لم یکن فی قلبه بغض احد من العباد و لا حب احد علی قدر الذی ینعنه عن الوصول الی ممکن الجمال و یقدّس نفسه عن سبحات الجلال و له حقّ بان لا یفتخر علی احد فی کلّ ما اعطاه الله من زخارف الدنیا او من علوم الظاهرة او غیرها



ORIGINAL

و يطلب الحقّ بكمال جدّه و سعيه ليعلمه الله سبل عنايته و مناهج مكرمه لانه خير معين بعباده و احسن ناصر لارقائه قال و قوله الحقّ "الذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا" و في مقام آخر "اتقوا الله يعلمكم الله."

و از کلمات مکنونه قوله الاعترّ الابهی: "يا ابن الروح في اول القول املك قلباً جيداً حسناً منيراً تملك ملكاً دائماً باقياً ازلاً قديماً."

ايضا در جواهرالاسرار قوله جلّ كبريائه: "لابد للمسافر الى الله و المهاجر في سبيله بان يقطع عن كلّ من في السموات و الارض و يكف نفسه عن كلّ ما سواه ليفتح على وجهه ابواب العناية و تهب عليه نسّمات العطفة و اذا كتب على نفسه ما القيناه من جواهر المعاني و البيان ليعرف كلّ الاشارات من تلك الدلالات و ينزل الله على قلبه سكينة من عنده و يجعله من الساكنين."

و در اثر مبارکی که به "اصل کلّ الخير" مشهور چنین نازل قوله جلّ جلاله: "رأس كلّ ما ذكناه لك هو الانصاف و هو خروج العبد عن الوهم و التقليد و التفرس في مظاهر الصنع بنظر التوحيد و المشاهدة في كلّ الامور بالبصر الحديده."

و از حضرت عبدالبهاء در کتاب مفاوضات است قوله العزيز: "و چون اين مقام تحرّی حقيقت است و جستجوی واقع مقامی است که تشنه جان سوخته آرزوی آب حیات نماید ماهی مضطرب بدریا رسد مريض طبيب حقيقي جوید و بشفای الهی فائز شود قافله گمگشته براه حقّ پی برد و کشتی سرگشته و حیران بساحل نجات رسد لهذا طالب باید متّصف بچند صفات باشد اولاً باید که منصف باشد و منقطع از ماسویالله و قلبش بکلی بافق اعلى توجه کند و از اسیری نفس و هوی نجات یابد زیرا اینها همه مانع است و از این گذشته تحمّل هر بلائی لازم است و باید در نهایت تقدیس و تنزیه باشد و از حبّ و بغض جمیع ملل عالم بگذرد چه که یحتمل حبّش بجهتی مانع از تحقیق جهت دیگر شود و همچنین بغض بجهتی شاید مانع از کشف حقيقت آن شود این مقام طالب است طالب باید بین اخلاق و اطوار باشد و تا بین مقام نیاید ممکن نیست که بشمس حقيقت پی برد."